

اقتصاد کلان

(۱) و (۲)

رودیگر درنبوش
استنلی فیشر
ریچارد استارتز

مترجمین:

دکتر به‌الله دادگر

(عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر محمدرضا منجذب

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اقتصادی)

نشر آسیم

تهران، ۱۳۹۲

این کتاب برگردانی است از:

MACROECONOMICS

by

Rudiger Dornbusch & Stanley Fischer

Tenth Edition

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمار نسخه‌های این چاپ: ۱۱۰۰

حق چاپ برای نشر آسیم محفوظ است

ویراستار: شهریار فصیح

حرف‌نویس و آماده‌سازی و اجرا: امیر عباسی

چاپ: چاپخانه آسمان

بها: ۲۲۰۰۰۰ ریال

Dornbusch, Rudiger

سرشناسه: دورنبوش، رودیگر، ۱۹۴۲ - عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد کلان (۱) و (۲) / رودیگر درنبوش، استنلی فیشر، ریچارد استارتز، برنارد باواله دادگر، محمدرضا منجذب.

مشخصات نشر: تهران: آسیم، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۴۸۰ ص: جدول، نمودار.

شابک: ISBN 978-964-418-545-8

Macroeconomics 11th ed., 2011.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

موضوع: اقتصاد کلان.

شناسه افزوده: فیشر، استنلی (Stanley Fischer).

شناسه افزوده: استارتز، ریچارد، ۱۹۵۲ - م. (Startz, Richard).

شناسه افزوده: دادگر، یدالله، ۱۳۳۴ - . مترجم.

شناسه افزوده: منجذب، محمدرضا، ۱۳۳۱ - . مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۱۷۲/۵/۵۸۷ الف HB

رده‌بندی دیویی: ۳۳۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۰۷۶۰۶

دفتر مرکزی و مرکز توزیع

خیابان استاد مطهری ○ خیابان میرعماد ○ خیابان سیزدهم ○ شماره سیزده

تلفن و دورنگار: ۴ - ۸۸۷۴۰۹۹۲

مستقیم تهران: ۸۸۷۵۰۳۸۳

مستقیم شهرستان: ۸۸۷۵۴۴۳۲

فهرست

۱	پیشگفتار و مقدمه مترجمان بر چاپ اول
.....	بخش اول: اقتصاد کلان (۱)
۱۱	فصل اول: مقدمه
۳۷	فصل دوم: حسابداری درآمد ملی
۶۸	فصل سوم: درآمد و هزینه
۱۰۷	فصل چهارم: پول، بهره و درآمد
۱۴۲	فصل پنجم: سیاست پولی و سیاست مالی
۱۶۹	فصل ششم: مقدمه‌ای در اقتصاد کلان بین‌المللی
۲۰۷	فصل هفتم: مقدمه‌ای بر عرضه و تقاضای کل
.....	بخش دوم: اقتصاد کلان (۲)
۲۲۹	فصل هشتم: مصرف و پس‌انداز
۲۵۲	فصل نهم: سرمایه‌گذاری
۲۸۶	فصل دهم: تقاضای پول
۳۱۰	فصل یازدهم: عرضه پول
۳۳۹	فصل دوازدهم: مقدمه‌ای بر تورم و بی‌کاری
۳۶۱	فصل سیزدهم: نظریه‌ها و سیاستهای رشد
۳۹۱	فصل چهاردهم: عرضه کل
۴۱۹	فصل پانزدهم: تشریح تورم و بی‌کاری
۴۴۵	فصل شانزدهم: عناوین پیشرفته در اقتصاد کلان

پیشگفتار و مقدمه مترجمان بر چاپ اول

دروس نظری علم اقتصاد در ظرف خاص و هماهنگ با شرایط و اوضاع و احوال ویژه‌ای تدوین شده‌اند، لذا درک صحیح آنها می‌تواند ثمرات علمی زیادی به همراه داشته باشد. به همین دلیل ضمن اینکه باید این نظریه‌ها را حلال همه مشکلات اقتصادی دانست و ضمن ارزیابی شرایط هر جامعه باید از آنها استفاده شود، در عین حال منطقی و عقلایی است که جوامع مختلف از منافع آنها نیز بهره‌مند گردند. لذا تبیین جامع نظریه‌های اقتصادی نیز هم‌جهت با استفاده علمی آنها و به دلیل سبب منافع عملی ضرورت دارد.

چون متون اقتصادی بطور کلی حداقل در مرحله فرموله کردن توسط اقتصاددانان غیرایرانی تنظیم گردیده است، در نتیجه متنی به زبان فارسی که کاملاً مستقل از منابع خارجی باشد، وجود ندارد. در صورتیکه مؤلفین فارسی‌زبان، استفاده مناسبی از متون غربی کرده و یا مترجمین ایرانی موضوعات اساسی کتب مورد نظر را بدون دخل و تصرف‌های مضر به خوانندگان منتقل کنند، کار بسیار ارزنده‌ای را ارائه خواهند نمود.

نظریه‌های علوم اقتصادی بطور خاص دستخوش تحولات و تغییرات زیادی هستند. استفاده از کتب قدیمی مقداری از کارایی علمی را کاهش می‌دهد برای اینکه تا حدی در رفع مشکل فوق کوشیده باشیم، یکی از متون اقتصادی جدید را در این ترجمه بکار برده‌ایم. متن مذکور ترجمه کتاب اقتصاد کلان است که توسط دو تن از اقتصاددانان صاحب‌نظر یعنی رودیگر درنیوش و استنلی فیشر به رشته تحریر درآمده است.^۱ این کتاب بعنوان یک متن درسی در اکثر دانشگاه‌های معتبر آمریکا و اروپا تدریس و نیز به اکثر زبانهای زنده دنیا ترجمه گردیده است.

قبل از شروع مطالب اصلی کتاب چند نکته را یادآوری می‌نماییم:

۱- هرچند این نوشته برای تدریس در کارشناسی تدوین شده است، سطح مطالب بعضی از فصول بگونه‌ای است که می‌تواند در دوره کارشناسی ارشد نیز کاربرد داشته باشد.

(۱) در چاپ تجدیدنظر شده، پرفسور ریچارد استارتر نیز به عنوان نفر سوم اضافه شده است.

۲- چون هدف از این ترجمه تدوین یک کتاب درسی است، جهت انسجام بیشتر و با توجه به توصیه مؤلفین تغییرات بسیار جزئی در بعضی زمینه‌ها داده شده است. مثلاً در بعضی موارد اشاراتی به یک سری مطالعات موردی شده که حذف یا خلاصه شده‌اند.

۳- هرچند تنظیم مباحث کلان (۱) و (۲) به عهده مدرسان محترم خواهد بود، توصیه می‌کنیم که فصل اول برای کلان (۱) و باقی فصول در کلان (۲) تدریس گردد.

۴- توضیحاتی که در بعضی موارد توسط مترجمین در پاورقی داده شده با علامت (م) یا داخل کوشه مشخص گردیده است.

۵- در پایان از دست اندرکاران نشر آسیم و دیگر همکارانشان در مؤسسه البرز به ویژه جناب آقای کمال علمی، سرکار خانم فیروزه و جناب آقای امیر عباسی جهت انتشار این مجموعه صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

قبل از آغاز ترجمه، چند نکته مقدماتی در روند اندیشه‌های کلان را مورد تأکید قرار می‌دهیم.

الف - چند نکته مقدماتی

۱ - گفته می‌شود علم اقتصاد مطالعه‌ی اموری است که توسط آن منابع کمیاب را بتوان در میان خواسته‌ها و نیازهای رقیب و نامحدود بطور بهینه‌ای تخصیص نمود. ملاحظه می‌شود خصلت اصلی در اقتصاد (همان‌طور که در تعریف علم اقتصاد نیز آمده است)، موضوع کمیابی است. اصولاً در صورتی که مشکل کمیابی وجود نداشته، شاید مسئله تخصیص منابع هم اهمیت پیدا نمی‌کرد. در هر صورت مشکل تخصیص منابع کمیاب و بخصوص تخصیص مطلوب و بهینه‌ی آن در سراسر مباحث اقتصادی مورد نظر بوده، و اقتصاددانان، سیاستمداران، مؤسسات اقتصادی و بطور کلی همه‌ی مردم درگیر آن هستند.

۲ - با توجه به موضوع مهم کمیابی و محدودیت منابع که در مرکز هر نظام اقتصادی قرار

دارد، بایستی تأکید کرد که هر جامعه‌ای به ناچار با یک سری سؤالات مشخص روبرو می‌باشد. غالب صاحب‌نظران اقتصادی چند سؤال زیر را مطرح می‌کنند.

نخست چه نوع کالاها و خدمات در هر جامعه بایستی تولید شود؟ آیا خدمات و تولیدات نظامی اولویت دارد و یا خدمات و تولیدات غذایی؟ آیا بهداشت و آموزش بیشتر ارائه گردد و یا اتومبیل و هواپیما، و امثال این سؤالات. البته همراه اینکه چه نوع کالاها و خدمات، چه میزان از هر کدام نیز مطرح می‌باشد. دوم، کالاها و خدمات مورد نظر چگونه تولید شوند؟ سؤال اول در ارتباط با اصل تولید بود. سؤال دوم در مورد شیوه‌های تولید بحث می‌کند. مثلاً چه میزان نیروی کار و چه میزان سرمایه در تولید بکار رود؟ سوم، کالاها و خدمات تولید شده به دست چه کسانی برسد؟ بعبارت دیگر این سؤال چگونگی توزیع کالاها و خدمات تولید شده را مورد توجه قرار می‌دهد. مثلاً آیا آنها را به صاحبان عوامل تولید باید داد و یا به گونه دیگری بین اقشار جامعه تقسیم کرد و سؤالاتی شبیه به آن. بعضی از اقتصاددانان سؤال چهارمی را نیز اضافه می‌کنند به این صورت که:

— اصولاً چگونه به سه سؤال فوق بایستی پاسخ داده شود؟ آیا جامعه را بصورت خصوصی و در چارچوب آزادی اقتصادی باید اداره کرد و یا دولت و بخش عمومی حاکمیت داشته باشد و یا بصورت مختلط عمل شود.^۱

سؤالات فوق‌الذکر از طرفی به اوضاع کلی حاکم بر امور اقتصادی جوامع مختلف مربوط می‌شود و از طرف دیگر جایگاه وسیعی را در نظریه‌های مربوط به علم اقتصاد بخود اختصاص داده است. هر نظام اقتصادی هم با توجه به اوضاع و شرایط خود و با کمک گرفتن از ابزار مهم علم اقتصاد به پاسخ سؤالات سه‌گانه و یا چهارگانه مذکور می‌پردازد.

۳ - گاهی در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی فرض می‌کنند که تمامی نیروهای مؤثر بر روی یک متغیر تأثیر خود را در یک دوره زمانی بروز می‌دهند. این تجزیه و تحلیل اقتصادی، به تجزیه و تحلیل ایستا، معروف است. بعبارت دیگر تجزیه و تحلیل ایستا، از زمان متنوع شده است. در مقابل تجزیه و تحلیل‌های پویا در ارتباط با حرکت متغیرها در طول زمان می‌باشد. بنابراین تجزیه و تحلیل پویا بیش از یک دوره را در بر می‌گیرد. یعنی برعکس وضعیت ایستا که شرایط حاکم ثابت می‌مانند، در اوضاع پویا، شرایط حاکم مرتب در حال تغییر هستند. میزان حجم سرمایه در یک لحظه از زمان و تعادل کوتاه‌مدت در بازار وضعیت ایستا را نشان

1) R. Kamershen, B. McKenzie, C. Nardinelli, *Macroeconomics*, Second Edition, Houghton Mifflin Co, 1989, p. 7.

می‌دهند، اما سرمایه‌گذاری و تغییر در رشد تولیدات در طول زمان از نمونه‌های وضعیت پویا می‌باشند.

۴ - مطالعه رفتار متغیرها و پدیده‌های اقتصادی نیاز به یک بررسی علمی دقیق دارد. بررسی کامل تمامی آثار و نتایج و اوضاع و احوال یک پدیده، گاهی ممکن نیست و گاهی ضرورتی ندارد. لذا اقتصاددانان از چارچوب خلاصه شده‌ای از واقعیت خارجی بنام الگو استفاده می‌کنند. در نتیجه الگوری اقتصادی، چارچوب رسمی (یا غیررسمی) از تجزیه و تحلیل است که به دنبال استخراج آن دسته خصوصیات از نظام اقتصادی است که برای فهم روابط رفتاری نهادی و یا فنی متغیرهای درون آن نظام نقش اساسی دارند.

در غالب موارد، تجزیه و تحلیل اقتصادی بدنبال کشف روابط بادوام بین متغیرها می‌باشد. در واقع بسیاری از پدیده‌های علم اقتصاد مربوط به روابط و رفتارهایی است که در طول زمان بادوام و باثبات هستند. در بسیاری از شرایط بیش از یک عامل روی رفتار متغیری که مورد بحث قرار می‌گیرد، مؤثر واقع می‌شود. در نتیجه با انجام مطالعات روی داده‌های مربوط به پدیده مورد بحث و ارزیابی عوامل مختلف و با کمک قواعد ریاضی، آمار و اقتصادسنجی می‌توان رابطه متغیر مورد نظر را استخراج نمود.

بنابراین در علم اقتصاد، استفاده زیادی از تئوری یا نظریه می‌شود. یک نظریه اقتصادی شامل یک دسته مفروضات و تعاریف مفید درباره بعضی از چهره‌های نظام اقتصادی می‌باشد. از این مجموعه مفروضات و تعاریف، نتایج و یا قضایای منطقی معینی استخراج می‌گردد. با وجود این که نظریه بیانیه ساده شده‌ای از واقعیات پیچیده است، می‌تواند آن قدر پیچیده شود که تنها کامپیوتر بتواند محاسبات لازم را در مورد آن انجام دهد.

۵ - از نظر تحلیل، نظریه اقتصادی به دو شعبه اصلی تقسیم می‌شود، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان. اقتصاد خرد به مطالعه رفتارهای فردی در یک جامعه اقتصادی می‌پردازد، مثلاً وقتی بازار کتاب یا بازار مواد غذایی و یا رفتار یک واحد کارگری مورد بررسی قرار می‌گیرد در واقع محدوده اقتصاد خرد مورد عمل واقع شده است. بسیاری از امور و کارهای اقتصاددانان در برخورد با اقتصاد خرد می‌باشند. سؤالاتی از قبیل اینکه: چه عواملی قیمت فلان کالا یا خدمت معین را تعیین می‌کند؟ چه چیزهایی سطح تولید یک مؤسسه را مشخص می‌نماید؟ دستمزد نیروی کار در یک بازار معین تحت تأثیر چه عواملی است؟ و سؤالات مشابه در محدوده اقتصاد خرد هستند.

شعبه دیگر نظریه اقتصادی مربوط به مطالعه اقتصاد بطور کلی است، و آن اقتصاد کلان

است. اقتصاد کلان مطالعه اقتصاد ملی بطور یکپارچه می‌باشد. اقتصاد کلان مربوط به یک تصویر کلی از اوضاع است و به جزئیات فعالیتهای ملی نمی‌پردازد. بجای اینکه بررسی شود چه میزان دو چرخه به فروش رفته است به خرید کل کشور (توسط تمام خانوارها) پرداخته می‌شود. یا بجای اینکه قیمتهای بعضی از کالاها نسبت به بعضی دیگر مقایسه شود، به سطح عمومی قیمتها برای تمامی کالاها و خدمات توجه می‌شود. سؤالاتی از قبیل اینکه چه عواملی سطح عمومی قیمتها و سطح اشتغال و بیکاری را تعیین می‌کنند؟ دولت چگونه می‌تواند با تورم و بیکاری مقابله نماید؟ سیاستهای پولی و مالی دولت چه آثاری روی تولید ناخالص ملی خواهد داشت؟ و امثال آن در قالب اقتصاد کلان بحث می‌شوند (در ادامه به روند آنها و اقتصاد کلان اشاره می‌کنیم).

ب- روند اندیشه‌ها در اقتصاد کلان

۱- قبل از دهه ۱۹۳۰ بسیاری از اقتصاددانان معتقد بودند که مکانیسم بازار و عرضه و تقاضا نهایتاً مشکل بیکاری و پایین بودن سطح تولید را حل می‌کنند. مکتب کلاسیک از نظریه‌های اقتصاد کلان است که تأکید دارد اگر اقتصاد در بلندمدت به حال خود رها شده و در آن دخالتی صورت نگیرد، نهایتاً به تعادل منجر می‌شود. بر طبق نظریه کلاسیک افزایش در بیکاری باعث کاهش نرخ دستمزد خواهد شد، زیرا کارگران بیشتری بایست کار کرده، مشاغل کافی وجود ندارد و زمانی که نرخ دستمزد (قیمت نیروی کار) کاهش پیدا کند، مؤسسات تولیدی اقدام به استخدام نیروی کار بیشتری می‌نمایند. در نتیجه نرخ بیکاری کاهش پیدا کرده، تولید انبوه بوجود می‌آید. طرفداران مکتب کلاسیک معتقدند بایستی تمامی قوانین و مقرراتی که از روند آزادانه و انعطاف‌پذیری دستمزدها ممانعت بعمل می‌آورند، برداشته شود.

طبق نظریه کلاسیک، در صورتی که مردم تمایل داشته باشند کالاها و خدمات بیشتری را دریافت کنند و حاضر باشند برای آن کالاها و خدمات مبالغ بیشتری بپردازند، مؤسسات تولیدی نیز اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند و در نتیجه از تجهیزات پیشرفته‌تر استفاده کرده کارایی افزایش می‌یابد و تولید در آینده نیز بیشتر خواهد شد. اقتصاددانان کلاسیک همچنین ادعا می‌کنند که پول اثری در میزان حقیقی متغیرهای اقتصادی ندارد، و این همان اعتقاد آنها به خنثی بودن پول است، به این صورت که تغییر در عرضه پول روی سطح عمومی قیمتها اثر می‌گذارد و اثری روی قیمتهای نسبی ندارد.

۲ - در مقابل، پس از دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰، اندیشه کینزی مطرح شد. طرفداران مکتب کینزی که به نحوی پیروان جان مینارد کینز هستند، اعتقاد دارند که دلیل اساسی تولید پایین و بیکاری، ناکافی بودن تقاضای کل (هزینه کل) می باشد. در واقع مجموع واحدهای اقتصادی، دولت، مؤسسات و مصرف کننده ها تقاضای کافی ندارند که بتوان تمامی نیروی کار را استخدام نمود. آنان معتقدند که نوسانات موجود در فعالیتهای اقتصاد کلان منعکس کننده نوسانات تقاضای کل (بوژه تقاضای سرمایه گذاری در کالاهای سرمایه ای) می باشد. طرفداران این مکتب بیان می دارند که اقتصاد بطور آزاد بی ثبات بوده و نیازمند یک سری سیاستهای فعال دولتی است که بتواند بیکاری و تورم را کنترل کند. راه حل آنان برای کاهش بیکاری، افزایش هزینه کل از چند طریق است. یک راه کاهش مالیات است که در نتیجه آن قدرت خرید خانوارها و مؤسسات افزایش یافته نهایتاً تقاضای کل بالا می رود. راه دیگر، افزایش هزینه های دولتی است. راه سوم این است که از طریق افزایش حجم پول نرخ بهره پایین آورده شود، در نتیجه مؤسسات و مصرف کننده ها می توانند برای خریدهای جدید از وام ارزان استفاده کنند.

طرفداران مکتب کینزی، تورم را نیز در درجه اول یک موضوع مربوط به تقاضای دانند. به نظر آنها در شرایط تورمی مصرف کننده بیشتر از آنچه اقتصاد توان تولیدی دارد، تقاضا می کند در نتیجه قیمتها افزایش پیدا می کند. راه حل تورم از نظر آنها این است که تقاضای کل کاهش یابد.

۳ - در دهه ۱۹۶۰ طرفداران مکتب پولی (پول گرایان) که شعبه ای از کلاسیک هستند، پدیده تورم و بی ثباتی اقتصادی را تا حد بسیار زیادی بعنوان یک مسئله پولی ارزیابی می کنند. آنها اعتقاد دارند زمانی تورم بوجود می آید که توسط سازمانهای دولتی (به خصوص بانکهای مرکزی) مقدار زیادی پول وارد جامعه شود. راه حل پول گرایان این است که رشد حجم پول بایستی کاهش داده شود. طرفداران مکتب پولی معتقد به سیاستهای اقتصادی غیرفعال می باشند. آنان ادعا دارند که اقتصاد آزاد بطور ذاتی با ثبات است و پس از عدم تعادلهای موقتی سرانجام به حالت طبیعی خود برمی گردد. لذا بجای دخالت روزمره دولت و بانک مرکزی در کنترل حجم پول، آنها پیشنهاد یک قاعده خودکار برای رشد حجم پول (مثلاً بین ۲ تا ۴ درصد در سال) را می نمایند. آنها به توانایی بخش خصوصی در سازمان دادن صحیح به اوضاع اقتصادی ایمان داشته و نسبت به قابلیت دولت در این رابطه شک دارند.

پول گرایان در خیلی از دیدگاههای مکتب کلاسیک شریک هستند. آنان بسیاری از

بیکاریهای جدید را ناشی از محدودیت شدید دولتی (مانند قوانین حداقل دستمزد) می‌دانند که باعث می‌شود دستمزد کاهش پیدا نکرده و بازارها به تعادل نرسند. ضمناً از نظر طرفداران مکتب پولی اهمیت تورم بسیار بیشتر از اهمیت بیکاری است.

۴ - در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ تعدادی از صاحب‌نظران اقتصادی به این موضوع که بسیاری از عوامل تورم و بیکاری ناشی از تقاضای کل است شک کرده و عرضه اقتصاد را عامل اصلی دانستند. اینان بعنوان طرفداران مکتب قسمت عرضه اقتصاد مطرح شدند. مکتب عرضه اندیشه‌ای از اقتصاد کلان است که روی مدیریت عرضه تأکید داشته، معتقد است که در راستای برنامه ریزی جهت رسیدن به اشتغال و تولید بالا و رشد و ثبات قیمت‌ها، بایستی انگیزه‌های کار بیشتر، پس‌انداز بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر تقویت شود (و نه انگیزه‌های تقاضا). آنان مالیات بالا را یک عامل مهم بیکاری زیاد و کاهش سطح تولیدات می‌دانند. تورم را نیز تا حدی یک موضوع مربوط به عرضه می‌دانند، زیرا افزایش تولید را راه‌حل تورم معرفی می‌کنند. در دهه ۱۹۷۰ همچنین مکتب کلاسیک جدید با نظریه انتظارات عقلایی ظهور کرد.

۵ - نظریه انتظارات عقلایی نظریه‌ای از اقتصاد کلان است که بی‌فایده بودن سیاستهای اقتصادی دولت را مورد تأکید قرار می‌دهد، زیرا معتقد است که مردم چون در راستای منافع خود عمل می‌کنند براساس آنچه که اطلاع دارند نسبت به انتظارات و پیش‌بینی‌هایشان، خود را تطبیق می‌دهند. مثلاً اگر مردم مشاهده کنند که بین نرخ بهره و کسری بودجه دولت رابطه مستقیمی وجود دارد، هنگامی که دولت دچار کسری بودجه شود، اقدام به استقراض می‌کنند زیرا پیش‌بینی می‌کنند نرخ بهره افزایش خواهد یافت. از طرفی تقاضای زیاد استقراض، خود باعث افزایش سریع نرخ بهره می‌گردد. می‌دانیم که نظریه کینزی پیش‌بینی می‌کند که افزایش در کسری بودجه دولتی باعث افزایش تولید ملی می‌شود، زیرا با افزایش هزینه‌های دولتی، تقاضای کل بالا می‌رود، و این در حالی است که نظریه انتظارات عقلایی پیش‌بینی می‌کند کسری بودجه بالاتر باعث می‌شود که نرخ بهره بیشتر، و هزینه‌های سرمایه‌گذاری کاهش یابند. در هر صورت صاحبان این اندیشه معتقدند که بخاطر این عوامل خنثی‌کننده که مردم براساس انتظارات خود به وجود می‌آورند، سیاستهای دولتی حتی در کوتاه‌مدت بی‌اثر خواهد بود.

همچنین رویکردهای دورکسب و کار حقیقی و رویکردهای کینزی‌های جدید به تکامل نظریه اقتصاد کلان پرداخته‌اند. به عقیده طرفداران دورکسب و کار حقیقی

نوسانات اقتصادی ریشه در تکانه‌های حقیقی اقتصاد و عوامل برون‌زا و فضای واقعی اقتصاد کلان دارند و نه تنها مربوط به عناصر اسمی باشند. همچنین کینزی‌های جدید عقیده دارند که رفتارهای کلان را تنها می‌توان با پایه‌های اقتصاد خرد تحلیل نمود. کینزی‌های جدید از این نظر تشابهاتی با کلاسیک‌ها دارند. البته کینزی‌های جدید در عین حال به رقابت کامل کلاسیک‌ها عقیده ندارند و رفتار دستمزدها و قیمت‌ها را نیز (مانند دیگر کینزی‌ها) به صورت چسبیده تحلیل می‌کنند. همچنین پس از بحران اقتصادی ۲۰۱۰-۲۰۰۷ که هنوز (۲۰۱۲) به طور کامل به پایان نرسیده است، انتظار شکل‌گیری مکاتب اقتصادی جدیدی در سطح کلان منطقی به نظر می‌رسد.

دادگر - منجذب

بهار ۱۳۹۱